

او نوشته برای جلوگیری از متلاشی شدن **توافق برجام** هشت سال ناسزا شنیده، خون دل خورده و بر سر اتهامات ناروا دم برنیاورده است.

در گزارش وزیر امور خارجه ایران به مجلس آمد؛



محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران گزارش سه‌ماهه وزارت امور خارجه ایران در خصوص برجام را به نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه کرد.

به گزارش اسپادانا خبر، در این گزارش که تحت عنوان «آخر دعوانا» منتشر شده آمده است:

پس از دو سال مذاکره فشرده و طاقت فرسا برای دستیابی به یک توافق قابل قبول، نیز ۶ سال کوشش نفس گیر برای حراست از حقوق ملت شریف ایران و جلوگیری از متلاشی شدن توافق همراه با هشت سال ناسزا شنیدن، خون دل خوردن و دم برنیاوردن بر سر اتهامات ناروا، اینک در آستانه واگذاری مسئولیت به برادران و خواهرانی تازه‌نفس و پُرنشاط لازم است چند تجربه و نکته به عنوان جمع‌بندی صادقانه و مشورت مشفقانه تقدیم شود.

برجام حاصل کوششی عاشقانه برای رهایی ایران از دام امنیتی سازی آمریکا و تحریم‌های ظالمانه در عین حفظ توان هسته‌ای با رعایت حداکثری خطوط قرمز در شرایطی دشوار بود ولی همچون هر توافقی دیگری حاصل مذاکره و داد و ستد بین المللی است که در شرایطی خاص در سال ۱۳۹۲ و به دنبال رای قاطع مردم به حل و فصل موضوع هسته‌ای براساس تعامل سازنده و عزتمند شکل گرفت.

هیچ توافقی برای هیچ یک از طرف‌های آن توافق بی‌نقص نیست. هر یک از طرف‌ها از بخش‌هایی از توافق ناراضی و ناخوشنود است. این طبیعت هر توافقی است لذا لازمه رسیدن به توافق درک این واقعیت است که بدون توجه به حداقل قابل قبولی از نگرانی‌ها و مطالبات همه طرف‌ها امکان مصالحه وجود ندارد. گرایش حداکثری تنها به مذاکرات فرسایشی و بی‌پایان می‌انجامد که تقریباً در تمامی شرایط ضرر و یا لاقط عدم النفع آن برای کشور و مردم از منافع فرضی رسیدن – ناممکن – به توافق ایده‌آل کمتر نیست.

تلاش هر یک از کنشگران برای پیروزی به هزینه شکست طرف مقابل – بازی با حاصل جمع صفر – به ناکامی هر دو طرف – بازی با حاصل جمع منفی می‌انجامد البته ممکن است ضرر همه طرف‌ها یکسان نباشد. در دنیای به هم پیوسته کنونی تنها در نظر داشتن منافع همه طرف‌ها – بازی با حاصل جمع مثبت – است که می‌تواند نتیجه مطلوب را به همراه داشته باشد به همین دلیل رسیدن به توافق نیازمند شهامت و ایثار و آمادگی برای هزینه از آبرو و رجحان بخشیدن منافع ملی به مصالح شخصی است. تفاهم – که نیازمند نوعی مصالحه است – در هیچ فرهنگ و جامعه‌ای بدو مطلوب و محبوب نیست و قهرمانان تاریخی پیشتر جوامع انسانی، جنگاوران و مبارزان میدان نبرد بوده‌اند و نه کنشگران عرصه دیپلماسی، تفاهم و مصالحه اما واقعیت آن است که دستاورد هر جنگی در پشت میز مذاکره نقد می‌شود و ناکامی‌های هر نبردی در مصاف دیپلماتیک تعدیل – و نه واژگون – می‌شوند.

منافع ملی و مصالح عالی مردم و کشور اقتضا می‌کند که سیاست خارجی صحنه دعوای سیاسی و جناحی داخلی نباشد و کارگزاران این حوزه مستطهر به پشتوانه اجماع ملی و همدلی و همراهی عمومی – البته همراه با نظارت و نقد مشفقانه – باشند. نقد سازنده نیازمند ارائه پیشنهاد عملی و واقع بینانه است و نه صرفاً خرده‌گیری حتی از نوع منصفانه. ارائه راهکارهای پیشنهادی از سوی منتقدین از یک طرف می‌تواند با تضارب آرا به انتخاب گزینه‌های برتر و کارآمدتر بینجامد و از سوی دیگر

امکان تبادل نظر واقعی همراه با پاسخگوسازی کارگزاران را فراهم کند. همزمان باید پذیرفت که کارگزاران دیپلماسی و سیاست خارجی - از کارشناس، سفیر یا وزیر - تصمیم گیر نهایی نیستند و در همه جای دنیا مجری تصمیمات نهادهای بالادستی می‌باشند.

مصالح عالی هر کشور در یک حوزه خلاصه نمی‌شود و تصمیم‌گیر نهایی باید همه جنبه‌ها در یک وضعیت را بسنجد. یک دیپلمات یا یک مجری در میدان نمی‌تواند توقع داشته باشد که تصمیم نهایی را او بگیرد و یا حتی تصمیم نهایی مطابق سلیقه، نگرش و یا گزینه پیشنهادی‌اش باشد البته باید در ارائه نظر کارشناسی صادقانه و شجاعانه نظراتش را بیان دارد اما به هنگام عمل بهترین و بیشترین کوشش بر اجرای بهینه و تمام عیار تصمیمات ملی - هر چند مغایر پیشنهاد خود یا سازمانش باشد - را به کار بسته و از همان سیاست جانانه دفاع کند.

هر سیاستی نقاط قوت و ضعف دارد. مخالفان یک سیاست ضمن اظهارنظر و نقد سازنده نباید اجرای سیاست اتخاذ شده را مختل کنند. مانع تراشی مخالفان در اجرای سیاست‌های متخذه نه تنها باعث اصلاح آن سیاست نمی‌شود بلکه موافقان سیاست را به سرسختی می‌کشاند، مانع دستیابی به حداقل منافع ناشی از آن سیاست می‌شود و همواره بهانه‌ای به دست طرفداران سیاست برای مخالفت با ارزیابی دقیق و بازنگری ضروری می‌دهد که اگر سنگ اندازی‌ها نبود موفقیت حاصل می‌شد. به‌رحال هر سیاستی اگر درست اجرا شود منفعی دارد و اگر در زمان اجرا دچار دعوا در اصل سیاست گردد یقیناً تمامی ضررهای مورد اشاره مخالفین واقع شده و هیچ یک از منافع متصور حاصل نمی‌گردد.

اگر به عوض مناقشه و مجادله بر سر اینکه برجام پیروزی قطعی بود و یا شکست کامل - که حتماً هیچ یک نبود - همگی کوشیده بودیم بیشترین منفعت را از برجام ببریم چه بسا شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورده بود. اگر از ابتدا در پی استفاده حداکثری از هر میزان دستاورد برجام - حتی در بدترین نگرش‌ها - بودیم و مقدار بیشتری سرمایه خارجی جذب کرده و تعداد بیشتری از شرکت‌ها از همه نقاط جهان را به کشور کشانده بودیم تحریم ایران و اعمال فشار حداکثری بسیار دشوارتر می‌شد. اگر در مورد ضرورت کار متوازن با شرق و غرب به یک اجماع ملی رسیده بودیم و از یکسو با خوش خیالی، دوستان دوران سختی را در سراب طمع سرازیر شدن شرکت‌های غربی از خود نرنجانده بودیم و از سوی دیگر از همه امکانات برجام برای ایجاد منافع اساسی اقتصادی برای همه کنشگران - به شمول شعبات خارجی شرکت‌های آمریکایی - بهره برده بودیم، هم دوستانمان سرخورده نمی‌شدند و در دوران سختی رهایمان نمی‌کردند و هم ترامپ برای فشار حداکثری با مانع جدی سرمایه داران جهانی - از جمله در داخل آمریکا - مواجه می‌شد. فقط نیاز بود همدل و همصدا از همه امکانات برای اجرای بهینه سیاست کشور در پذیرش برجام استفاده می‌کردیم.

اکنون بهترین زمان برای ایجاد این همدلی و همصدایی است. موفقیت در مذاکرات اخیر وین و شکست نهایی سیاست فشار حداکثری با بازگشت آمریکا به تعهدات برجامی می‌تواند در فضای جدید سرای سیاست کشور، زمینه را برای بهترین بهره‌برداری از تمامی ظرفیت‌های برجام فراهم نموده، با اصالت دادن به روابط با همه شرکا و ایجاد توازن در روابط اقتصادی خارجی - و صد البته با تکیه بر اقتصاد مقاومتی مبتنی بر درونزایی و برونگرایی - رشد و شکوفایی بی‌نظیری را برای کشور و نسل‌های بعدی به ارمغان آورد. برنامه ۲۵ساله با چین، روابط راهبردی با روسیه، سیاست همسایگی و اولویت همسایگان و استفاده حداکثری از تعهدات کشورهای غربی در برجام بستر مناسب برای چنین آینده‌ای است.

برچسب ها: [محمدجواد ظریف](#) [1]

[برجام](#) [2]

[مجلس](#) [3]